

میرچاده الیاده

اسطورهٔ بازگشت جاودانه

ترجمه
بهمن سرکاراتی

www.ketab.ir



انتشارات طهوری

Elide, Mircea

الیاده، میرچا، ۱۹۰۷-۱۹۸۶ م.

اسطوره بازگشت جاودانه / میرچا الیاده؛ ترجمه بهمن سرکاراتی. - تهران: طهوری، ۱۳۸۴.
۲۰۵ ص.

ISBN 978-964-6414-60-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: The myth of the eternal return, or cosmos and history, c1954

مؤلف به هنگام ترجمه کتاب از فرانسه به انگلیسی، متن کتاب را مورد تجدیدنظر قرار داده است.

چاپ نخست: قطره، ۱۳۷۸.

چاپ پنجم.

کتابنامه: ص [۱۹۷]-۲۰۵.

۱. کیهان‌شناسی. ۲. ادیان - تاریخ. ۳. نمونه ازلی. ۴. تاریخ جنبه‌های روانشناسی. ۵. اساطیر. ۶. تاریخ‌نویسی. ۷. تاریخ

فلسفه. الف. سرکاراتی، بهمن، ۱۳۱۰-، مترجم. ب. عنوان.

۱۱۳

۵الف۸الف/BDV۰۱

۱۳۸۴

۸۴-۳۰۴۹۸ م

کتابخانه ملی ایران

www.ketab.ir



انتشارات طهوری

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۲۴

صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵ / تلفن: ۴۸۲۶ ۴۶۴۶ ۶۶۵۱ ۲۲۰۹۱۲

میرچاده الیاده

اسطوره بازگشت جاودانه

ترجمه: دکتر بهمن سرکاراتی

چاپ اول ۱۳۸۴ / چاپ هشتم: ۱۴۰۳

تیراژ، ۲۲۰ نسخه

صفحه‌آرایی: علم روز

حق هرگونه چاپ، تکثیر، فتوکپی، اسکن، فروش دیجیتال و انتشار برای انتشارات طهوری محفوظ است

قیمت: ۱۶۵۰۰۰۰ ریال

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۱۱	دبیاجه مؤلف

فصل اول

نمونه‌های ازلی و تکرارات ۱۵

۱۷	مسأله
۲۰	نمونه‌های مینوی کشورها، پرستشگاه‌ها و شهرها
۲۵	نمادهای «مرکز»
۳۰	تکرار بندهشن
۳۴	نمونه‌های یغانه آیین‌ها
۴۱	نمونه‌های نخستین کارهای دنیوی
۴۷	اساطیر و تاریخ

فصل دوم

بازآفرینی زمان ۶۱

۶۳	سال، نوروز، بندهشن
۷۳	دوراندندی آفرینش
۸۳	بازآفرینی مداوم زمان

فصل سوم

بدبختی و تاریخ ۱۰۱

طبیعی بودن الم	۱۰۳
تاریخ به عنوان تجلی الهی	۱۱۰
ادوار کیهانی و تاریخ	۱۱۹
سرنوشت و تاریخ	۱۳۶

فصل چهارم

وحشت تاریخ ۱۴۳

ماندگاری افسانه بازگشت جاودانه	۱۴۵
مشکلات تاریخ‌گرایی	۱۵۱
آزادی و تاریخ	۱۵۷
یأس یا ایمان	۱۶۱

حواشی مؤلف ۱۶۵

حواشی فصل اول	۱۶۷
حواشی فصل دوم	۱۷۶
حواشی فصل سوم	۱۸۵
حواشی فصل چهارم	۱۹۱
کتابنامه	۱۹۵

مقدمه مترجم

رویاری با زمان سرنوشت ناگزیر آدمی است که از دیر باز تا امروز نه تنها به صورت یک مشکل فلسفی، بلکه به عنوان یکی از بدیهی‌ترین واقعیت‌های حیات، ذهن بسیاری از مردان روزگار را به خود مشغول کرده است. اگرچه در گذشته نیز تأمل دربارهٔ زمان همواره با اضطراب توأم بوده و هراس از دهر همیشه وجود داشته است، اما پیش از این هرگز انسان سایهٔ زمان را بر روی سرنوشت خود این چنین سنگین احساس نکرده بوده است. در این عصر که بشر بی‌میانجیگری واسطه‌های دیرین در برابر دهر تنها ایستاده، مواجهه با این همال پیر، با بیم و تشویش عمیق‌تری همراه است و شهادت و یارستن بیشتری می‌خواهد. از این‌روست که ما برای فرزاندانی چون کیرکه‌گور، هایدگر، نیچه، پروست، جویس، ویرجینیا ولف و فاکنر که در زمانهٔ ما به مقابلهٔ زمان شتافته‌اند و خواسته‌اند که در چشم این همزاد همیشگی پندار خویشتن از رویاروی بنگرند، احترام زیاده‌تری قائلیم. میرچا الیاده نیز از این‌گونه فرزندگان است.

تأمل دربارهٔ زمان، اشتغال دائم ذهن این متفکر رومانیایی است که هم در آثار تحقیقی او و هم در نوشته‌های ادیبش به صورت تمی تکرار شونده در آمده است، آنچنان که به قول یکی از منتقدان، زمان، قهرمان اصلی همهٔ نوشته‌های اوست. زمان به چشم الیاده همانند مایا در نظر یک برهمن هندوست و او برای رفتن فراسوی این کسوف سرمدی، همهٔ راه‌ها و بی‌راهه‌ها را نیز پیموده است. تصادفی نیست که بخشی از پژوهش‌های وی دربارهٔ دانش‌های سری و راز-آیین‌هاست. از شمنیسم گرفته تا کیمیا، از عرفان گرفته تا یوگا، همه‌جا الیاده در جستجوی چاره‌هایی است برای برانداختن زمان، زیرا معتقد است که انسان

در گذشته می‌توانسته زمان را براندازد و یا حداقل به حالت تعلیق در آورد. با این هدف است که وی در کتاب حاضر، که معتبرترین اثر او دربارهٔ زمان و تاریخ است، و در بسیاری دیگر از بررسی‌های خود به گزارش پنداشت‌های اساطیری پیشینیان از زمان پرداخته است. الیاده با گردآوری انبوهی از نمادها، افسانه‌ها و آیین‌های باستانی و تفسیر آنها مطابق جهان‌بینی خاص خویش، که بر مبنای نوعی هستی‌شناسی ثنوی - تقابل لاهوت و ناسوت - استوار است، به این نتیجه می‌رسد که انسان مذهبی در جوامع باستانی به دو نوع زمان معتقد بوده است: یکی زمان عادی و محدود و تاریخی که چون روزگار گذران بر حیات ناسوتی بشر در جهان سپنجی ساری است و به صورت استمرار برگشت‌ناپذیر، همراه خود تلاشی و زوال می‌آورد و همه چیز را به نابودی می‌کشد و به قول هایدگر «زمان مرگ» است؛ و دیگری زمان مقدس، زمان اساطیری که پایا و کاستی‌ناپذیر است، آن لحظهٔ شگفت‌انگیز «بدایت‌ها» که نمونه‌های ازلی، کردارهای بغانه و بالاتر از همه، فعل الهی خلقت ضمن آن به وقوع پیوسته است. زمان مقدس، بر خلاف زمان ناسوتی، برگشت‌ناپذیر نیست، بلکه حرکت دوری دارد و تابی‌نهایت در حال نو شدن و تکرار است، نه تغییر پیدا می‌کند، نه پایان می‌پذیرد، و از یک نقطه نظر حتی می‌توان گفت که مانند دهر پارمنیدی اصلاً «نمی‌گذرد». لحظه‌ای است جاودانه که در زندگی انسان باستانی رجعت آن مصادف بوده با ایام خجسته جشن‌ها و هنگام برگزاری آیین‌ها. زمان عادی و ناسوتی با گذشت خود همهٔ مظاهر حیات را فرتوت و فرسوده می‌کند و سرانجام به سوی مرگ می‌برد، همهٔ رویدادهای ناگوار یعنی مصایب و نوایب روزگار در جریان آن اتفاق می‌افتد که خاطرهٔ آنها یکجا در ذهن جمعی مردم تاریخ را تشکیل می‌دهد، تاریخی که به نوبهٔ خود جانِ بشر را از هراس و تشویش می‌آکند؛ لذا مرد باستانی از زمان تاریخی روگردان است، تا می‌تواند در برابرش می‌ایستد و با تقلید از نمونه‌های ازلی در زندگی روزانه‌اش و نیز با برگزاری آیین‌های خاص در لحظه‌های معین سال، به طور ادواری به واژگونی زمان ناسوتی و امحاء تاریخ پرداخته، زمان مقدس را احیا می‌کند و دوباره به زمان حال و اکنون فرا می‌کشد، و این چنین با بازآفرینی زمان، زندگی خود و گیتی را نیز نوآیین می‌کند. بدین ترتیب مطابق تعبیر الیاده، انسان در روزگار باستان همیشه در چنبر چرخ گرفتار نبوده و سرتاسر زندگیش در معرض ترکنازی زمان قرار نداشته است. اما در روزگار ما، حداقل از زمان دکارت به بعد از آن‌جا که انسان متجدد غربی فقط به واقعیت زمان تاریخی باور دارد، زندگی و سرنوشت خود را با روزگار گذران پیوند داده و موجودی یکسره تاریخی و تاریخ‌گرا شده است، از این‌رو امید و باور - سلاح‌های قدیمی -

خود را یکی پس از دیگری از دست داده در برابر زمان زبون و بی‌پناه مانده است. مرد زمانه ما چون پذیرفته است که سرنوشت او را تاریخ تعیین می‌کند و زندگی او در زمان و مرگ خاتمه می‌پذیرد، لذا از آینده هراسان است، در زندگیش دچار یأس می‌شود، اضطراب و نگرانی جانش را تاریک می‌کند، حیاتش به یاوگی می‌گراید و در نهایت تبدیل می‌شود به پوچی، عدم و تهیگی. تنها وسیله نجات او، بنا به سفارش الیاده، این است که به نحوی دوباره با زمان مقدس، با ابدیت و خجستگی ازلی ارتباط برقرار کند و حداقل به پیوستگی نهایی سرنوشت خود با زمان مقدس در آینده، در فرجام جهان، در روز بزرگ، ایمان داشته باشد. چنین است گزارش الیاده از برداشت پیشینیان از زمان. این که چنین برداشتی درست است یا نادرست، مطابق با واقعیت است و یا در تحلیل نهایی تعبیر شخصی اوست از مشکل رویارویی انسان و زمان، مسأله‌ای است که داوریش به عهده خواننده است که خود زمانه را چگونه می‌بیند، به‌صورت دیوی که فرزندانش را می‌آورد یا بغی که خیر و شر را توانم می‌زاید. در این زمانه هر کس باید با زمان تنها کشتی بگیرد.

بهمن سرکاراتی

دیباچه مؤلف

اگر از تظاهر به زیاده‌طلبی بیش از حد بیمناک نبودیم، عنوان ثانوی این کتاب را «مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ» می‌نهادیم. چون در نهایت، هدف رساله حاضر پرداختن بدین موضوع است، با این امتیاز که در این پژوهش به حای این که به تحلیلی نظری از پدیده تاریخ مبادرت کنیم به بررسی مفاهیم بنیادی جوامع باستانی پرداخته‌ایم، جوامعی که در عین آگاهی از نوعی «تاریخ»، نهایت کوشش خود را به کار می‌بردند که آن را نادیده انگارند. به هنگام تحقیق درباره این جوامع سنتی، ویژگی خاصی همواره ما را به شگفتی وامی‌دارد و آن عبارت است از عصیان جوامع مذکور بر علیه زمان عینی و تاریخی و اشتیاق و دلتنگی مردمان این جوامع برای بازگشت ادواری به زمان اساطیری آغاز کائنات، به آغوش دهر یا «زمان بزرگ». معنی و خویشکاری آنچه ما در این کتاب «نمونه‌های ازلی و تکرارات» اصطلاح کرده‌ایم، فقط هنگامی بر ما روشن شد که از عزم راسخ جوامع یاد شده برای رد زمان ملموس و از دشمنی آنها با هر گونه کوشش برای استقرار «تاریخ» مستقل - تاریخی که به وسیله نمونه‌های ازلی تعیین و تنظیم نشده - آگاه شدیم. این طرد و انکار، این خصومت و دشمنی، چنان که در این کتاب نموده شده، صرفاً نتیجه گرایش‌های محافظه‌کارانه جوامع بدوی نیست، بلکه به عقیده ما جا دارد که این استخفاف تاریخ (یعنی استخفاف حوادث فاقد نمونه‌های علوی و برتر از تاریخ) را و این واپس زنی زمان ناسوتی مستمر را، گونه‌ای از ارزیابی ویژه پیشینیان از مسأله حیات بینگاریم که می‌خواستند از این رهگذر به زندگی انسان ارزشی ماوراءالطبیعی ارزانی دارند. اما باید مؤکداً خاطر نشان سازیم که این ارج نهادن به زندگی انسان از آن نوع نیست که برخی از جریان‌های فلسفی

بعد از هگل، به ویژه مارکسیسم و مکاتب معتقد به اصالت تاریخ و اصالت وجود، کوشیده‌اند که برای حیات بشری قائل شوند، مخصوصاً بعد از این که مکاتب مذکور به کشف «انسان تاریخی» نایل شده‌اند، انسانی که به زعم آنان فقط هنگامی «هست» که به «ساختن خود در چهارچوب تاریخ» دست می‌یازد.

با وجود این باید یادآوری کرد که در این کتاب، مستقیماً به مسأله تاریخ، به عنوان تاریخ، نخواهیم پرداخت. هدف اصلی ما این بوده است که برخی از خطوط اصلی نیروی حاکم بر اندیشه انسان در جوامع کهن را ترسیم کنیم، چون به نظر ما چنین رسید که طرح این مسأله و معرفی ساده‌ای از آن، احتمال دارد که خالی از فایده نباشد، به‌ویژه برای فلاسفه‌ای که عادت دارند مشکلات خود و نیز راه‌حل‌های این مشکلات را، یا در متون فلسفه کلاسیک و یا در اوضاع مربوط به تاریخ معنویات غرب بجویند. ولی ما از دیرباز بر این عقیده بوده‌ایم که فلسفه غرب سخت در لاک خویش فرو رفته است و به طرز خطرناکی به مرز «ولایتی مآب» بودن - اگر کاربرد این اصطلاح مجاز باشد - نزدیک شده است، اولاً به خاطر این که حکمت غرب خود را، از روی رشک، در حصار سنت و شعائر خاص خویش منزوی ساخته و از پرداختن به مسایل دیگر، از جمله مثلاً از توجه به مسایل اندیشه شرقی و راه‌گشایی‌های آن، طفره می‌رود. ثانیاً به خاطر این که حکمت غربی عنودانه از به رسمیت شناختن هر «موضع» دیگری غیر از مواضع انسان متعلق به تمدن‌های باستانی، امتناع می‌ورزد، علی‌رغم این واقعیت که تجارب انسان «بدوی»، انسان متعلق به جوامع سنتی، نیز دارای ارزش و اعتباری است. ما معتقدیم که دانش مردم‌شناسی فلسفی می‌تواند از ارزش‌هایی که انسان پیش از سقراط (یعنی انسان سنتی) برای موضع خاص خود در جهان قائل بود چیزها بیاموزد. از این هم فراتر، ما معتقدیم که در روزگار ما مسایل اساسی فلسفه اولی در اثر آشنایی با هستی‌شناسی پیشینیان می‌تواند احیا شود. ما در چند اثر قبلی، به ویژه ضمن کتاب خود موسوم به «رساله در تاریخ ادیان»^۱ کوشیده‌ایم که به معرفی اصول و مبانی این هستی‌شناسی دیرین پردازیم، بی‌آن که این ادعا را داشته باشیم که موفق شده‌ایم گزارشی منسجم و سامانمند و بدون تردید جامع، از آن در دسترس خوانندگان بگذاریم.

در این بررسی نیز قصد آن را نداشته‌ایم که گزارشی جامع در این زمینه، که حاوی همه جزئیات باشد، ارائه کنیم. طرف خطاب ما در این کتاب هم فیلسوف بوده است هم مردم‌شناس یا مستشرق، ولیکن در درجه اول روی سخن مان با مردم فرهیخته غیرمتخصص

است. از این‌رو مطالب را غالباً فشرده و در قالب عباراتی کوتاه بازگو کرده‌ایم، زیرا که اگر به بررسی و توضیح آن‌ها، چنان که می‌بایست، می‌پرداختیم و تفاوت‌های جزئی را ذکر می‌کردیم، لازم می‌آمد که کتابی حجیم و کلان نگاشته آید. هر گونه بحث مفصل و بررسی جامع و مبسوط مستلزم آن بود که عین مطالب را از منابع اصلی نقل کنیم و زبانی فنی به کار ببریم، که ناگزیر موجب رمیدگی و دلسردی بسیاری از خوانندگان می‌شد. از این‌رو به جای این که هم خود را صرف ارائه یک رشته توضیحات و تفاسیر باریک و مجموعه‌ای از تعلیقات درباره مشکلات مبتلا به متخصصان کنیم، در پی آن بوده‌ایم که توجه فیلسوف و کلاً شخص فرهیخته معمولی را به مواضع معنوی چندی جلب کنیم که برای معرفت ما به احوال انسان و همچنین برای خود تاریخ بشریت مفید و آموزنده‌اند. اگرچه در برخی از نقاط عالم اندیشه بشری قبلاً بر این مسایل فایق آمده است.



متن فرانسوی این کتاب تحت عنوان «اسطوره بازگشت جاودانه: نمونه‌های ازلی و تکرارات» به سال ۱۹۴۹ منتشر شده و به هنگام ترجمه کنونی آن به زبان انگلیسی متن کتاب را مورد تجدید نظر قرار داده و بر مطالب آن افزودیم و همچنین در زیرنویس صفحات اشاره به برخی از آثاری که در چند سال گذشته انتشار یافته‌اند، گنجانده شده است.

میرچا الیاده

پاریس، اکتبر ۱۹۵۲